



عن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

مبارزات تمامی ائمه، مصداق جهاد و مجاهده

شناسنامه مطلب	
e-m-133	کد مطلب
منطق / مفهوم و مصداق	موضوع
لغت	موضوع مرتبط
علمی / علوم عقلی / منطق / تحقیقی پژوهشی / دانش منطق / مثال و تطبیق	رده
جهاد، ائمه، مبارزه، دشمن، هم‌زمان حسین، مفهوم، مصداق، مقام معظم رهبری	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

مقام معظم رهبری، در کتاب هم‌زمان حسین و از سان ۲۵۰ ساله و در خیلی جا های دیگر، همه ائمه را مجاهد و مبارز توصیف کرده اند.

حال این سوال پیش می آید که امام صادق علیه السلام کجا جهاد می کرد؟ ما که شمشیری دست ایشان ندیدیم! یا امام کاظم علیه السلام که بیشتر عمرشان را در زندان بودند، چگونه جهاد و مبارزه می کردند؟ برای رسیدن به جواب این سوال که چگونه مبارزه و کار های ائمه، مصداقی از مصادیق جهاد است، ابتدا باید «مفهوم» و «مصادیق» را تعریف کرده، سپس واژه «جهاد» را از جهت معنا بررسی کرده و پس از آن، نظر امام خامنه ای مدظله العالی را درباره مصداق این کلمه بررسی می کنیم.

مفهوم

مؤلف کتاب دانش منطق، در تعریف و اقسام مفهوم چنین می نویسد:

هر صورتی که در ذهن وجود دارد. صورتی که چون آینه نشان دهنده حقیقتی است؛ خواه این صورت به سبب لفظ در ذهن تحقق یابد، یا با مشاهده وجود خارجی شیء و یا به گونه دیگر.

بر دو قسم است:

- مفهوم کلی: مفهومی که بر بیش از یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند انسان و اقیانوس.
- مفهوم جزئی: مفهومی که تنها بر یک مصداق، قابل صدق است؛ مانند: علی، ایران، مشهد.

مصادیق

همچنین وی در تعریف مصداق چنین می نویسد:

آنچه مفهوم بر آن صدق می کند؛ مثلاً «محمد» و «علی» که مصداق مفهوم «انسان» هستند. به عبارت دیگر، لفظ حاکی از مفهوم و مفهوم حاکی از مصداق است.

باید دانست مصداق یک مفهوم، گاه حقیقتی خارج از ذهن است؛ مثل مفهوم انسان که مصادیق آن، مانند «محمد» و «علی» در خارج ذهن هستند و گاه افراد مفهوم فقط در ظرف ذهن تحقق دارند؛ مانند «مفهوم کلی» و «تصور» و «تصدیق».

جهاد

علامه مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۲، ص: ۱۴۹ و ۱۵۰) چنین می فرماید:

أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ بَذْلُ الطَّاقَةِ وَالسَّعْيِ الْبَلِیْغِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ النِّهَايَةُ الْمُمْكِنَةُ وَيَبْلُغَ غَايَةَ وَسْعِهِ.

ثُمَّ إِنَّ الْجِهَادَ إِمَّا بِالْمَالِ أَوْ بِالْبَدَنِ وَالْأَعْضَاءِ أَوْ بِالْفِكْرِ، وَكُلٌّ مِنْهَا إِمَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ فِي طَرَقِ دُنْيَوِيَّةٍ وَأَغْرَاضِ شَخْصِيَّةٍ.

فَالْمُجَاهِدَةُ هُوَ إِدَامَةُ الْجِهَدِ، وَالْجِهَادُ هُوَ الْجُهْدُ بِالطَّوْعِ وَالرَّغْبَةِ.

«يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ «وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ»^۲ «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ»^۳ «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ»

والمفعول في هذه الأفعال محذوف، أي يجاهدون العدو، وبيذلون طاقتهم ووسعهم في مقابل عدوهم، فهم أشداء على الأعداء بأموالهم وأنفسهم.

راغب اصفهانی، در مفردات الفاظ قرآن (ص: ۲۰۸) درباره معنای واژه چنین می فرماید:

الْجِهَادُ وَالْمُجَاهَدَةُ: اسْتِفْرَاحُ الْوَسْعِ فِي مَدَافِعَةِ الْعَدُوِّ.

الْجِهَادُ ثَلَاثَةٌ أَضْرَبُ:

- مُجَاهَدَةُ الْعَدُوِّ الظَّاهِرِ.

- وَمُجَاهَدَةُ الشَّيْطَانِ.

- وَمُجَاهَدَةُ النَّفْسِ.

۱. سوره مبارکه مائده، آیه ۵۴

۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۲۴

۳. سوره مبارکه النساء، آیه ۹۵

۴. سوره مبارکه توبه، آیه ۴۱

و تدخل ثلاثها في قوله تعالى: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۱ و «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ و «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳

در کتاب تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۴، ص: ۴۰۸)، اینچنین آمده است:

و الجِهَادُ، بالكسر: الْقِتَالُ مَعَ الْعَدُوِّ

الجِهَادُ: مُحَارَبَةُ الْأَعْدَاءِ، وَ هُوَ الْمَبَالِغَةُ وَ اسْتِفْرَاغُ مَا فِي الْوُسْعِ وَ الطَّاقَةِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ

با توجه به معانی ذکر شده، جمع بندی معنای واژه جهاد بدین گونه خواهد بود:

❖ به کار بردن نهایت توان و وسع و تلاش بسیار زیاد در مقابله و درگیری با دشمن را جهاد می گویند که می تواند این مقابله، به وسیله ی مال، جان، بدن و اعضا، فکر و هر چیز دیگری باشد. به عبارت دیگر، یعنی تلاش بی وقفه در مقابل دشمن و دفع آن به هر وسیله ای. دشمن اعم از دشمن بیرونی (شیطان و کفار و منافقین و استکبار و ...) و دشمن درونی (نفس) است. پس هر تلاش و کوشش مقابل این دشمنان، مصداقی از مصادیق جهاد محسوب می شود.

نظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری ابتدا تفاسیر غلط از معنای واژه «جهاد» را بیان کرده و رد می کند، سپس تفسیر صحیح آن را بیان می کند:

امام صادق، موسی بن جعفر، امام جواد و امام هشتم علیه السلام، هم رزم حسین (ع) اند، در

میدان حسین (ع) و دوشادوش حسین (ع) اند و با همان دشمن میجنگند و مبارزه میکنند؛ همان دستی

که حسین (ع) را شهید کرد، ایشان را هم شهید کرد.

۱. سوره مبارکه الحج، آیه ۷۸

۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۴۱

۳. سوره مبارکه انفال، آیه ۷۲

وقتی که ما می‌گوییم امام صادق (ع) جهاد میکرد، سؤال میکنند: کجا امام صادق (ع) جهاد میکرد؟ ما که شمشیری دست ایشان ندیدیم.

درباره جهاد دو تفسیر غلط و یک تفسیر صحیح وجود دارد:

۱. اولین تفسیر غلط: جهاد برطبق لغت، یعنی کوشش؛ و جهاد در راه خدا، یعنی مطلق کوشش در راه خدا. لذا است که می‌گویند رزق حلال تحصیل کردن، یک نوع جهاد است. از اینجا شما شروع کنید تا بزرگ‌ترین کارها و کوچک‌ترین کارها که اینها همه اش یک تلاشی است؛ اگر برای خدا بود، جهاد است.

می‌گویند: «آقا! جهادی که در در اسلام هست، این است؛ تلاش کنید برای کسب، تلاش کنید برای علم، تلاش کنید برای زندگی، تلاش کنید برای دیدار دوستان، هر زحمتی که بکشید، جهاد فی سبیل الله است.

علت نادرستی: لغت «جهاد» به معنای مطلق کوشش است اما اگر جهاد در فرهنگ اسلامی به این وسعت بود، لزومی نداشت که اسم خاصی روی این بگذارند در مقابل سایر اسم‌هایی که در اسلام هست. ؛ نماز، روزه گرفتن، به حج رفتن و زکات دادن و همه ی اعمال اسلامی يك جهادی است. بنابراین چرا یک اسم خاصی رویش بگذارند؟ پس جهاد، مطلق کوشش نیست. جهاد، یک چیزی است در مقابل همه ی واجبات دیگر. پس در فرهنگ اسلامی - یعنی قرآن و روایات - دایره ی جهاد را به این وسعت گرفتن، خطای بزرگی است. خیلی بزرگ است این خطا. پس این یک تفسیر، که تفسیر غلطی است.

۲. دومین تفسیر غلط: جهاد در اصطلاح قرآن و حدیث یعنی جنگ با شمشیر در میدانی که دشمن آن طرف ایستاده باشد، تو این طرف ایستاده باشی، شمشیر را از غلاف بیرون بکشی و بزنی به دشمن.

این تعبیر هم درست نیست. جهاد در قرآن فقط به معنای جنگ مسلحانه ی در مقابل دشمن مشخص نیست. جهاد ممکن است شقوق و اشکال دیگری هم داشته باشد و دارد. بنابراین تفسیر دوم هم غلط است. در سوره براءت، آیه ی شریفه می‌فرماید: «ای پیغمبر، با کفار و منافقان جهاد کن». در فقه شیعه و به طور کلی در فقه اسلام مسلم است که پیغمبر با منافقان جنگ مسلحانه ی رویارو نکرده و با آنها در یک میدان قرار نگرفته و جهاد پیغمبر با آنها به شکل دیگری انجام گرفته؛ در عین حال در این آیه، از مبارزه ی پیغمبر با اینها تعبیر به جهاد شده. بنابراین جهاد، با این دو تعبیر، غلط است.

۳. تفسیر صحیح جهاد: **جهاد** عبارت است از درگیری با یک دشمن به یکی از اشکال و شقوق ممکن. عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها تلاشی که با درگیری با **دشمن** همراه است. آن تلاشی که با درگیری با **دشمن** همراه نیست، اسمش **جهاد** نیست. فرض بفرمایید یک نفر دانشمند محققى برود بنشیند درباره‌ی یک مسئله‌ی حقوقی خشک غیر لازم، یا حتی لازم- مثل یک مسئله‌ای که در شیمی است، یک مسئله‌ای که مورد استفاده و انتفاع مردم است- زحمت بکشد و تحقیق کند، به کار او **جهاد** نمی‌گویند؛ کما اینکه در فارسی هم به آن، **مبارزه** نمی‌گویند. به انیشتین یک مبارز نمی‌گویند. چرا؟ برای خاطر اینکه این عمل، این تحقیق، این کشف، این کاری که به وسیله‌ی فکر یا به وسیله‌ی پول یا به وسیله‌ی دست انجام گرفته، در راه پیشبرد یک هدف فکری ایدئولوژیکی و در راه مقابله‌ی با دشمن این فکر، به کار نرفته. لذا به این کار، جهاد نمی‌گویند. اما همین آدم کتاب نویس، میرود درباره‌ی یک مسئله‌ای که در آن، درگیری با **دشمن** هست، تحقیق می‌کند، فرض بفرمایید یک **دشمنی** در راه پیشبرد اهداف خصمانه‌ی خود، یک طرز فکری را برای مردم ایجاد می‌کند. جهاد فکری در اینجا این است که یک دانشمند، یک محقق قلم در دست بگیرد و ثابت کند که این طرز فکر، یک طرز فکر غلط است. این هم کتاب نویسی است، ان صورت قبلی هم کتاب نویسی بود؛ اما آن **جهاد** نبود، این **جهاد** است. چرا؟ برای اینکه در آن، درگیری با **دشمن** نبود؛ در این، درگیری با دشمن هست. به عبارت دیگر **جهاد** یعنی هر نوع درگیری و مبارزه‌ی با قدرتهای ضدّ تعالی و تکامل انسانی- یعنی ضد اسلام و ضد قرآن- هر جور که با اینها درگیری کردید، این در اسلام اسمش **جهاد** است. بعد از آنکه ما معنای **جهاد** را فهمیدیم، آن وقت خیلی آسان میتوانیم قبول کنیم که ائمه، **جهاد** می‌کردند.

دیگر نباید سوال کرد که که آقا امام صادق علیه السلام کی شمشیر دستش بود؟ مگر لازم بود شمشیر دستش باشد؟ مگر لازم بود امام صادق علیه السلام عمامه را بردارد و بیاید توی میدان شعار بدهد؟ کافی بود که امام صادق علیه السلام بیاندیشد، امام صادق علیه السلام فرمان دهد، امام صادق علیه السلام یک کلمه‌ای بگوید که این کلمه، اصلی باشد تا مسلمان‌های زمان خود او و بعد از زمان خود او، از آن اصل پیروی کنند. این کافی بود تا اینکه امام صادق علیه السلام را **مجاهد** بدانند.^۱

۱. بهمن ماه ۱۳۵۱ هجری شمسی (کتاب هم‌زمان حسین علیه السلام، ص ۱۰۰ تا ۱۱۳)

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، مقام معظم رهبری، تمامی مبارزات ائمه با شیوه‌های گوناگون (با شم شیر در میدان جنگ، فعالیت علمی و تشکیلاتی و...) را جزء مصادیق مفهوم «جهاد و مجاهده» شمردند. این نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری، دید کلان و تسلط کامل به مفاهیم اسلامی و تاریخ ائمه علیه السلام دارند و مفاهیم را اینچنین کاربردی می‌کنند.